

## تحلیل سیاسی هفته (۵) ترور رئیس دایره اطلاعات نیروهای امنیتی لبنان؛ دلایل و پیامدها

### مقدمه

ترور رئیس دایره اطلاعات نیروهای امنیتی لبنان در روز جمعه، باعث شکل‌گیری موج تازه‌ای از تحولات سیاسی و امنیتی در این کشور چند قومی و مذهبی شده است. سرهنگ وسام الحسن روز جمعه بر اثر انفجار خودرواش در محله مسیحی‌نشین الاشرفیه در شرق بیروت، به‌همراه راننده‌اش کشته شد. در این انفجار همچنین یک شهروند لبنانی کشته و حدود ۱۰۰ نفر دیگر زخمی شدند.

### وسام الحسن که بود؟

وسام الحسن از اعراب سنی لبنان، نزدیک به جریان موسوم به ۱۴ مارس و به نوعی مغز متفکر این جریان وابسته به غرب به‌شمار می‌رفت. او در سال ۲۰۰۱ و در زمان نخست‌وزیری رفیق حریری به‌عنوان سر تیم نیروهای محافظ او انتخاب شد و تا سال ۲۰۰۵ و ترور وی، در این سمت باقی ماند.

الحسن ۴۳ ساله در دوره نخست‌وزیری فواد سنیوره مراتب ترقی را به‌سرعت طی کرد و در سال ۲۰۰۶ با انتخاب به‌عنوان رئیس دایره اطلاعات نیروهای امنیتی لبنان، به قلب سیستم امنیتی این کشور وارد شد و در طول شش سال حضور خود در این سمت، علاوه بر آنکه موقعیت خود را تحکیم کرد، همواره به‌عنوان چشم و گوش جریان ۱۴ مارس و متحدان عرب و غربی آنها عمل می‌کرد.

وی از جمله مسئولان امنیتی لبنان بود که مأموریت توقیف چهار مقام ارشد امنیتی لبنان و همچنین گروه مسلح وابسته به سازمان القاعده در سال ۲۰۰۵ میلادی به او داده شد؛ افرادی که از سوی دادگاه بین‌المللی بررسی ترور رفیق حریری، به ترور وی متهم شده بودند و از این زمان نام وی با دادگاه ترور حریری گره خورد. سرگرد الحسن در سال ۲۰۰۷ میلادی همچنین پس از بازداشت افراد متهم به دست داشتن در جنایت «عین علق» به رتبه سرهنگی ارتقا یافت. وی از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ میلادی، بخش اطلاعات و امنیت لبنان را در دست داشت.

### نقش‌آفرینی در ترتیبات امنیتی لبنان

براساس اسناد و مدارک موجود، الحسن با وجود آنکه یک نیروی امنیتی ملی به‌شمار می‌رفت، اما منابع لبنانی تأکید می‌کنند که او دستورات خود را به‌صورت مستقیم از رفیق حریری دریافت و برای گروه‌های مسلح وابسته به جریان ۱۴ مارس پوشش امنیتی لازم را جهت ورود به درگیری مسلحانه به‌خصوص در سال ۲۰۰۸ ایجاد می‌کرد. به گفته اشرف ریفی رئیس نیروهای امنیتی لبنان، الحسن با هیچ‌یک از مسئولان امنیتی و حتی خود وی برای مسائل داخلی مشورت نمی‌کرد و هیچ‌کس هم از رفت‌وآمدهای او، سفرهای خارجی و افرادی که دیدار می‌کرد و یا تماس می‌گرفت، خبر نداشت. الحسن که از او به‌عنوان یکی از چهره‌های تأثیرگذار در فضای سیاسی لبنان یاد می‌شد، از مخالفان محور مقاومت اسلامی در منطقه بود و به ضدیت با دولت سوریه شهرت داشت. وی همچنین از مخالفان سیاسی جریان ۸ مارس به‌طور عام و حزب‌الله به‌طور خاص به‌شمار می‌آمد و بارها علیه سران این جریان که اکثریت پارلمان و دولت را در اختیار دارند اقدام کرده بود.

گفته می‌شود که سرهنگ الحسن در طول دوران خدمت خود ۳۶ شبکه جاسوسی اسرائیل را در لبنان کشف کرده است، البته این ادعا بیشتر توسط رسانه‌های جریان ۱۴ مارس مطرح شده است، چراکه وی بارها خارج از چارچوب وظیفه ملی خود عمل کرد که به چند مورد آن می‌توان به صورت خلاصه اشاره کرد:

۱. فراری دادن سرکرده گروهک تروریستی فتح‌الاسلام از محاصره اردوگاه نهرالبارد پس از نبرد خونین ارتش با این گروهک در سال ۲۰۰۷.

۲. نقش آفرینی منفی علیه جریان ۸ مارس در تحولات سال ۲۰۰۸ که منجر به درگیری داخلی میان نیروهای این جریان با جریان ۱۴ مارس شد. این درگیری‌ها شکست کاملی برای الحسن به‌شمار می‌رفت و پس از آن بود که اقدام به ارتباط با موساد جهت ضربه زدن به مقاومت کرد.

۳. رقابت با سازمان اطلاعات ارتش که وظیفه مقابله با سازمان‌های جاسوسی خارجی را داشت و در این زمینه همکاری نزدیکی با مقاومت اسلامی می‌کرد.

۴. ایجاد پوشش امنیتی لازم برای سازمان جاسوسی آمریکا برای فعالیت در لبنان. آمریکا با کمک الحسن توانست بیروت را به‌عنوان مرکز جاسوسی خود در خاورمیانه تبدیل کند که همه اعضا و افسران آن به‌سرعت توسط شاخه اطلاعات و امنیت حزب‌الله شناسایی شدند.

۵. جاسوسی از حزب‌الله و به‌خصوص از مراکز تجمع، تمرین، زاغه‌های مهمات، مسیرهای رفت‌وآمد و نوع تسلیحات آن به نفع رژیم صهیونیستی که سیدحسن نصرالله در آخرین سخنرانی خود اشاره گذرایی به آن کرد.

۶. نفوذ دادن موساد به داخل شبکه تلفن همراه لبنان که این مسئله در سال ۲۰۱۰ به افشاح سیاسی و امنیتی بزرگی برای دستگاه تحت فرماندهی الحسن تبدیل شد. این نفوذ توسط مقاومت و با همکاری سازمان اطلاعات ارتش لبنان کشف شد. هرچند وی بعدها مدعی شد که در کشف طرح‌های اسرائیلی نقش مهمی دارد، اما این مدعیات تقریباً ثابت نشد.

## حضور مخرب در بحران سوریه

دولت لبنان از ابتدای شروع ناآرامی‌ها در سوریه اعلام کرد که در موضوع سوریه بی‌طرفی کامل اتخاذ کرده و علیه این کشور نه موضع منفی و نه مثبت می‌گیرد. این اعلام موضع، با استقبال جریان ۸ مارس و حزب‌الله مواجه شد، اما به‌دلیل موقعیت جغرافیایی لبنان، این کشور باید بخش جدایی‌ناپذیری از لجستیک شورشیان در سوریه را برعهده می‌گرفت که این اعلام موضع، خلاف آن بود.

با توجه به این جایگاه و این موضع‌گیری، جریان ۱۴ مارس به‌صورت مستقل وارد عمل شد و همه توان خود را برای کمک به شورشیان سوریه بسیج کرد. این جریان، عقاب صقر نماینده نزدیک خود در پارلمان را مأمور اعطای کمک‌های مالی به گروه‌های شورشی کرد و الحسن نیز مأمور بخش امنیتی آن شد که اقدامات وی را می‌توان به چند بخش تقسیم کرد:

۱. ارسال سلاح و مهمات که شاهد بزرگ آن کشتی لطف‌الله ۲ بود که توسط ارتش لبنان توقیف شد.

۲. ارسال نیروهای جهادی به‌خصوص جریان‌های سلفی در خاورمیانه و شمال آفریقا که همه از طریق فرودگاه بیروت به مرزهای سوریه اعزام می‌شدند.

۳. تأمین دارو و تجهیزات پزشکی، غذایی و ارتباطی.

۴. ایجاد مراکز آموزشی برای شورشیان در عرسال، خالدیه و دره القاع که هزاران تروریست القاعده و شورشیان مسلح در آنجا توسط عناصر مسلح ۱۴ مارس آموزش دیدند.

۵. نفوذ امنیتی در سوریه و ایجاد یک پل مستقیم برای عبور و مرور افسران امنیتی غربی به داخل این کشور که تعدادی از این افراد توسط ارتش و سازمان‌های اطلاعاتی سوریه بازداشت و یا کشته شدند.

براساس شواهد موجود؛ همه این تسهیلات به دلیل موقعیت و جایگاه ویژه سرهنگ وسام الحسن توسط وی برای شورشیان سوریه فراهم شد. او در طول ۱۹ ماه گذشته در دهها جلسه امنیتی در پایتخت‌های عربی - غربی و ترکیه حضور یافت و آخرین آن دیداری بود که به گفته منابع لبنانی با ژنرال دیوید پترایوس رئیس سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا، سیا برگزار کرد.

با توجه به آنکه الحسن در لبنان به فرد خاصی پاسخگو نبود و عملاً یک امپراتوری امنیتی در لبنان ایجاد کرده بود، از ریز تصمیمات، سفرها و دیدارهای او تنها افراد نزدیک و مورد اعتماد وی آگاهی داشتند و برخی از اطلاعات موجود تنها پس از ترور وی منتشر شده است.

### چه کسی الحسن را ترور کرد؟

با توجه به موارد گفته شده در بالا، از همان ابتدای ترور الحسن بسیاری انگشت اتهام را به سمت حزب‌الله لبنان و دولت سوریه گرفتند که البته اتهام‌زنی به حزب‌الله بیشتر توسط برخی از جریان‌های افراطی‌تر ۱۴ مارس مانند سمیر جعجع بیان شد و ادامه نیافت.

همه سران جریان ۱۴ مارس بدون استثنا، انگشت اتهام را به سمت سوریه گرفتند و دمشق را متهم اصلی ترور وی عنوان کردند، البته محکومیت سریع این اقدام تروریستی از طرف وزیر اطلاع‌رسانی سوریه خود مسئله بسیار مهمی بود که حکایت از تشدید اتهامات علیه دمشق بود.

هرچند انگشت اتهام به دمشق همچنان به شدت بلند است و به تأکید می‌توان گفت سوری‌ها از یک دشمن درجه یک که نقش مخربی در کشورشان داشت رها شدند، اما به چند دلیل نمی‌توان سوریه را در ترور وی دخیل دانست:

۱. از مسیرهای رفت و آمد الحسن هیچ فردی مطلع نبود، این مسئله را اشرف ریفی رئیس نیروهای امنیتی لبنان تأیید کرده است چراکه به باور وی الحسن مغز متفکر اطلاعات این نیروها بود و نیازی به توضیح دادن نداشت.

۲. کسی که الحسن را ترور کرده باید به ریز مسیرهای رفت و آمد وی، نوع ماشین مورد استفاده - با توجه به تعویض زود هنگام همه ماشین‌ها - ساعت رفت و آمد، مکان‌های حضور و... اشرف کامل داشته باشد که در چنین شرایطی سوریه به دلیل درگیری‌های داخلی خود نمی‌تواند تمرکزی بر این موضوع داشته باشد.

۳. ضررهای این ترور برای سوریه بسیار است، بنابراین در دمشق نهادهای امنیتی این کشور به خوبی آگاه هستند که نباید بار دیگر مسئله حریری را زنده کرد، از این رو می‌توان گفت که سوریه اقدامی برخلاف مصالح خود نمی‌کند.

۴. الحسن علاوه بر سوریه در طول دوران فعالیت خود دشمنان دیگری هم برای خود دست‌وپا کرده بود که شاید مهمترین آن جریان‌های سلفی وابسته به القاعده باشند. او اگر رهبر فتح‌الاسلام را فراری داد، اما با برخی دیگر از گروه‌های سلفی - وهابی که حاضر به همکاری با وی نبودند به شدت برخورد کرد، بنابراین این احتمال وجود دارد که وی مورد غضب و کینه این جریان تروریستی قرار گرفته باشد.

۵. کمترین پیامد ترور الحسن برای سوریه زیر سؤال رفتن و تحت فشار قرار گرفتن دولت لبنان به نخست‌وزیری نجیب میقاتی است که موضع‌گیری‌اش در مورد تحولات سوریه به نفع دمشق بوده که در این صورت دمشق اقدام ضدامنیتی علیه خود انجام نخواهد داد.

### اهداف ترور وسام الحسن

به نظر می‌رسد که هر جریان و گروهی که رئیس دایره اطلاعات نیروهای امنیتی لبنان را ترور کرده باشد، از آن اهداف و نتایج خاصی را دنبال می‌کند که به صورت خلاصه می‌توان آنها را این‌گونه برشمرد:

۱. این انفجار که به «فتنه دوم» شهرت یافته در راستای «فتنه نخست» ارزیابی می‌شود؛ «فتنه نخست»، ترور رفیق الحریری نخست وزیر اسبق لبنان بود که در فوریه سال ۲۰۰۵ به وقوع پیوست و پس از شعله‌ور کردن پیامدهای آن و نشانه‌رفتن انگشت اتهام دادگاه بین‌المللی این ترور به سوی سوریه و حزب‌الله، به جنگ ۳۳ روزه رژیم صهیونیستی علیه لبنان انجامید. تمام پیامدهای احتمالی ترور الحسن را می‌توان به ترور حریری مربوط دانست.
۲. کشورهای غربی بارها اعلام کردند که نباید بحران سوریه وارد لبنان شود، این ترور می‌تواند بهانه خوبی برای وارد کردن بحران به متن جامعه این کشور باشد، به گونه‌ای که ساده‌ترین تبعات آن را می‌توان در برخی اعتراضات مسلحانه در گوشه و کنار لبنان دید.
۳. این ترور بهانه خوبی برای ایجاد یک پوشش امنیتی تازه برای فعالیت شورشیان مسلح سوریه پناه گرفته در لبنان می‌باشد. صدها تن از این شورشیان در طول دو هفته گذشته و با تشدید عملیات ارتش سوریه به لبنان فرار کرده‌اند.
۴. با توجه به موارد برشمرده شده در بالا - در مورد عدم اقدام سوریه - می‌توان یکی از اهداف مهم انفجارها را سرنگون کردن دولت لبنان ارزیابی کرد؛ کما اینکه جریان ۱۴ مارس در این مورد بیانیه رسمی داده و از میقاتی خواستند تا استعفا دهد که استعفای میقاتی مورد قبول رئیس‌جمهور قرار نگرفت.
۵. انفجار تروریستی الاشرافیه در شرایطی انجام شد که مثلث «غربی - عربی - صهیونیستی» در ضعیف‌ترین وضعیت خود در منطقه قرار دارد؛ بنابراین آنها به محرکی برای نشان دادن بیشتر خود نیاز دارند. در این مورد نباید موفقیت‌های روزافزون دولت سوریه در سرکوب شورشیان مسلح را از نظر دور داشت.
۶. لبنان سال آینده شاهد برگزاری انتخابات پارلمانی خواهد بود. با توجه به پیروزی محور مقاومت در بحران سوریه، این پیروزی تأثیرات خود را بر روند سیاسی لبنان گذاشت و نتیجه اولیه آن شکست جریان ۱۴ مارس در لبنان خواهد بود، بنابراین این جریان می‌تواند مانند ترور حریری از آن پیراهن عثمانی درست کرده و رأی مردم را به سمت خود جلب کند.

## نتیجه‌گیری

- آنچه از ترور سرهنگ وسام الحسن بر می‌آید - با توجه به موارد برشمرده شده در بالا - می‌توان احتمالات ذیل را در مورد آن مطرح کرد:
۱. این اقدام یک خودزنی داخلی توسط جریان ۱۴ مارس برای ایجاد یک فضای تبلیغاتی و روانی جهت کنترل حوزه سیاسی لبنان بوده است.
  ۲. این اقدام توسط همان گروه‌ها و یا افرادی که رفیق حریری را ترور کردند، صورت گرفته است چراکه تبعات مشابهی در جامعه لبنان به همراه داشته است. در این مورد می‌توان سازمان جاسوسی رژیم صهیونیستی که دستی بلند در تروریسم دولتی دارد را مورد اشاره و تأکید قرار داد.
  ۳. این اقدامی انتقامی از طرف گروه‌های تروریستی وابسته به القاعده بوده است.
  ۴. این اقدام را شورشیان مسلح سوریه حاضر در لبنان با همکاری سازمان اطلاعات ترکیه جهت بحرانی کردن جامعه لبنان و بهره‌برداری از آن صورت داده‌اند.
- از این رو می‌توان گفت که در تحولات اخیر لبنان، جریان ۱۴ مارس و متحدان عربی - غربی آن به شدت تلاش خواهند کرد تا از آن بهره‌برداری لازم را صورت دهند که با مطالعه تبعات ترور حریری برای جامعه لبنان و همچنین منطقه، می‌توان نسبت به آن واکنش‌های مناسب را نشان داد.